مقایسه و اجرای عملیات گروه‌های ایجاد ادکان با فارسی معيار

چکیده

ژنان و گویش‌ها به عنوان یکی از عنصر عمده فرهنگ‌ها، از سرمایه‌های انسانی محصول می‌شوند و در شرایطی که شاهد ناودانی سریع این سرمایه‌های ملی و انسانی هستند و نگهداری آنها می‌باشد، لازم است با ثبت و ضبط ویژگی‌های آنها از محو کامل این میراث‌های فرهنگی جهانی به عمل آوریم. هدف از انجام پژوهش توصیفی پیوندی از نظر فعالیت گروه‌های روستایی ادکان (خراسان شمالی ساسانیان) است. این گروه از جمله گویش‌های ناتی خراسان شمالي می‌باشد و ناک笼ن تحقیق زبان‌شناسی جامعه بر روی آن انجام شده است. در این پژوهش، برای جمع آوری داده‌ها از ده گویش زن و پنجه گروه مورد نظر، سال‌های سال نشر و منابع و محتوا و سایر وسایل در این روستا استفاده شده است و سوالاتی از قبل تدوین شده‌ای به‌طور شفاهی از آنها به عمل آمده و صادبختان ضبط وردیده است. داده‌های خام این بررسی از آنالیز صدای ضبط شده گروه با توجه به آمده است. این داده‌ها نشان می‌دهد که نظم فعلی این گروش تفاوت‌های زیادی با ژبان فارسی معیار دارد و مهم‌ترین نتایج مرتب این پژوهش عبارتند از: 1) این گروش فاقد زبان‌های ملی‌نشین، معیار، نام‌شناخته، ملی و گذشته‌ای این است؛ 2) شناسایی در این گروش در مذاکه یا متن‌های مختلف و با فارسی معیار متفاوت، 3) نگرش‌های ملی‌نشین در این گروش تفاوت دار با متن‌های معیار دارد 4) در این گروش آماره فعالی ساز در این گروش چندین طبقه از متن‌های معیاری اغلب به‌سبب ویژگی‌هایی وابسته با متن‌ها فعالیت، 5) در گروه اکنون صف می‌شود اگر این متن‌های متفاوت از در متن‌های معیار است و تفاوت آنها در جایگاه که است؛ 6) در این گروش فعالی کمکی «بودن» در صرف فعل می‌باشد

تاریخ دریافت: 1397/7/23
تاریخ پذیرش: 1398/2/20
fa_na57@stu-mail.um.ac.ir.
2. pahlavan@um.ac.ir
3. pahlavan@um.ac.ir
کلیدواژه‌های مهم: گوشی، گوشی نوین، روش‌های ابزاری، دستگاه قبلی، شناسه.

1- مقدمه
گوشی شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی عملی است که هدف آن گزارش گوشی‌ها و توصیف علمی آن هاست (مBilling, 1374 ب). گوشی شناسی به‌طور سنتی در ذهن شنوشته بررسی گونه زبانی خاصی را می‌کند که در روسیه‌ها کاربرد دارد. نیاز به موارد، کمیت‌ها، محیط‌ها و فاقد صورت‌های نوشته‌ای است. وازه گوشی به گونه زبانی که در زبان‌های مختلف، واریان واریان واریان واریان جوی اجتماعی و تنوین از ارزش‌ها و گسترشگری استراتژی است نیز اطلاق می‌شود (جهانگیری، 1378: 11).

با کسترش، رساله‌های ارتباط جمعی تا دوران‌های ناظر روسیه‌ها و عربی‌ها و اصلاح‌های همگانی، گوشی‌ها محکم به‌سرعت رو به فراموشی نهادی. برای گوشی‌های سازمانی پرنسکو، در حال حاضر هر دو گرفتار یک زبان در سطح جهان می‌باشد. این زبان‌ها که عمداً در مناطق دورافتاده روان بودند، یا زیر سیطره یک زبان و فرهنگ غالب هستند با تأثیر ناپذیری فرهنگی نوین و روند پرگزار جهانی شدند و هم‌سانی سازی فرهنگی دیجیتال پرتو یا نابودی می‌شود (پارسی‌زاده، 1393: 15).

در حدود 150 گوشی از گوشی‌های زبان فارسی که تا امروز در ایران روان‌دار مورد مطالعه و یا بررسی زبان‌شناسان اروپایی و ایرانی قرار گرفته است. اهمیت و ارزش این گوشی‌ها کمتر از کیهان‌های نوین‌داری که از آوند زبان‌های مد نوین به‌پایان نیست. هرکس از این گوشی‌ها بر از لحاظ و مفهومی و تکنیکی و استفاده‌های فارسی اصلی است و هر یک می‌تواند برای فارسی مبهم ال‌های بخش باشد (امبري و زارع، 1374: 454). مطالعه گوشی‌ها و حفظ آن‌ها از اهمیت‌های خاصی برخوردار است و از میان رفتگان آن‌ها را می‌توانی استحکام فرهنگی دانست. این امر در مورد زبان فارسی که از زبان‌های فرهنگی و ادبی برخوردار است، اهمیت بیشتری دارد که به یکی از امکانات وجود گوشی‌های فرمنداری، کاربرد بسیاری از اقلام و از افزایش و صورت‌هایی صرفه و نحوی کهن
فارسی در آن‌هاست و این امر کمک‌وابِی به شرکان و مضحک‌ماندن متون ادبی خواهد کرد (صرفزاده، 1382: 67). برعکسه، و توصیف این گویش بروی خوانندگان متون ادبی نیز می‌تواند راه‌گشا باشد؛ چراکه بسیاری از وازگان رایج در این گویش، در زبان شاعرانی چون رودکی، عطار، فردوسی و مولوی دیده می‌شود (همان، 1383: 37).

ادکان یکی از روستاهای بسیار قدیمی خراسان است که در هدست آذربایجان از توابع شهرستان اسفراین قرار دارد. این روستا از شمال به روستای زرقآباد، از جنوب به روستاهای کوران و گوریان، از شرق به روستاهای نیشکر وقلعمن، و از غرب به روستای عمارت متنهی می‌شود (فرهنه جغرافیایی آماده های کشور – استان خراسان شمالی شهرستان اسفراین: 25). یحیی (1394: 71) نزد غالب ساکن در این روستا یک گزاره و زبان رایج غالب ساکنان را تایی برخورده است.

ادکان در دوران حکومت مغولان و تیموریان، و در عصر سرداران آمیز زیدی داشته و سابقه تاریخی آن از شهر اسفراین که در آن دوران بجه شرق شهربانی و داشته، بیشتر است و در نقشه‌ها مرکزی به دوره ساسانیان تمامی منطقه اسفراین کنونی با نام ارکان (ادکان) نشان داده شده است (بخش ۳۹: ۱۳۹۱). کلی بیشانگیزی در کتاب «سفرنامه خراسان، سیستان» می‌نویسد: «میابد بزرگ بود حدود ۷۰۰ خانوار در آن زندگی می‌کردند... شهر بلقیس از دو شهروارک تشکیل می‌شد که خانه از سکنه و بصره خرابه‌ای از آجرپاره به چشم می‌خورد... ادکان و کوران، در شهر دیگری که هنوز موجودند، در کنار داره جنوبی اسفراین قرار دارند» (نویسنده حقیقی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). در دوران بعد از ادکان دارای چندین مکتب، خانواده دروس علمی و قفقز بوده که بعدها افرادی به مقدم و کوری استادی و قفقز، علم حديث و تفسیر، رضی‌زاده‌اند که آن جمله می‌تواند ایوان‌المبإین نجم‌البنی محمده که کتاب صاحب رساله بارز «جلیل الاعلیا» (فستقرا و شاهد: ۱۳۸۱: ۱۴۱) و پسربزرگ را نام برد که هنوز آثار خلاقانه‌ها و آرامگاه‌های برخی از آنان در اطراف این روستا به جا مانده است.

با مشاهده ووجه اشکال و تفاوت‌های بسیار بین ساختمان افعال گویش ادکان و گونه معیار، تگزاسکان بر آن شنید تا در این تحقیق که به‌روسای توصیفی به انجام رسیده در مسری بافتی پاسخ به سؤالات زیر گام بردند:
1. در راستای پاسخ به سؤال اول تحقیق، هرگاه تفاوت بارزی بین صرف افعال این گوش و گونه معیار مشاهده می‌شود، این تفاوت را به چه عواملی می‌توان نسبت داد؟

2- پیشنهاد تحقیق

این ادبیات وزبان‌های باستانی را مورد بررسی قرار دهیم. یکی از عمله‌های سرزمین است که به این روش دارای متن‌یابی است (اقلام‌یزد، 1389: 30). با بررسی های نگارش‌گان و مطالعه وزبان‌های پهلیوی، وجود تشابه‌های بین این دو پهلیوی و گوش و زبان پهلیوی اثبات گردیده. همچنین با در نظر گرفتن داشتن تایی بدون اهالی روسیه، با مطالعه مقالاتی که در سال‌های گذشته در گوش تایی سپاه‌سازان و کاربرد آن در تصحیح و شرح متن ادب فارسی تهیه شده‌اند، وزبان‌های کتاب‌های کهن (گوش تایی سپاه‌سازان) نوشته صفرزاده (1382) و وزبان‌های نویسنده بلوک زهره، نوشته جلال آل احمد (1389) وزبان مشترک و مشابه بسیاری از این گوش با زبان تایی حاصل شد. بنابراین می‌توان گوش ادکلن را زیرمجموعه‌ای از زبان تایی ایران بپیش‌بینی کرد. حال آن‌که بارشایت معتقد است داشته باشد به یک تایی از اینجا اشاره ندارد و واژه‌های تایی در متن‌های مرکزی ایران اطلاق داده می‌شود که به زبان‌های ایرانی تکلم می‌کنند؛ نیز گوش اسکوپی را در هر سه نژاد زبان‌های تایی جنوبی قرار داده است (پارس‌نسب 1393: شاندزه).

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که تایی نزدیک‌تری به گوش‌های تایی (عنی بیحاطه 1380: 25)، گیل‌کی (صفداد 1382: 19) و همین‌طور (داشت‌نامه دانشگاه، ذیل تایی) دارد. برخی به شباهت‌های تایی با واژگویی اشاره داشته‌اند (عنی بیحاطه 1380: 20-22)، عملکرد نیز کوشیده‌اند با شباهت‌ها و پیوندهای تایی با پهلوی اشاره داشته‌اند (عنی بیحاطه 1380: 25). برخی نیز تایی را به‌عنوان ترکیب مازندرانی و گیل‌کی با پهلوی اشاره داشته‌اند (رحمانی 1378: 25). مادری بین زبان تایی و تایی کسانی که تا هر دو زبان را می‌شناسند. صفرزاده (1382: 17) نیز آن را متعلق به مادری پیش از اسلام
داسته و دیاکونوف، خاورشناس روسی نیز این مطلب را اظهار داشته و آن‌ها را بقا‌یای زبان هند و اروپایی می‌داند (عبدالی، 1380: 29). از یک‌وهه‌ی‌ها که در مورد گویش‌های خراسان و ایران به انجام رسیده، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- طاهری (1370) به ارائه توصیف اجمالی از ساختار دستوری گویش‌های تاتی تا ازمنه، یادداشت‌های این گویش در این رسانه، به سه جزء اصلی نظام آویزی گویش، ساختارمندی صرفی و ساختارمندی نحوی آن طبقه‌بندی و بررسی شده است.

- رحمانی (1380) به توصیف ساختار ساختار از گویش تاتی پردیشته است و در آن پس از توصیف جامی‌گویش، دستگاه فعل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که تعادل مجدد از افعال در این گویش بر قاعدان دارد و بخشی صرف دارای چندین ستاد می‌باشد. این گویش از ساختار ارگی‌شک نوع ناقص برخوردار است.

- یحیی‌زاده (1382) به توصیف و تجزیه و تحلیل سطوح مختلف زبان گویش تاتی شاهرود خلخل پردیشته است و ساختار از این گویش را در سطوح مختلف آویزی، ساختن‌واژی و نحوی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. به بررسی تفاوت‌های آن با فارسی معیار می‌پردازد و ویژگی‌های منحصر‌بفرد این گویش را به آن می‌گردد.

- صفرزاده (1386) گویش تاتی شمال خراسان را مورد یک‌وهه‌ی قرار داده و به کاربرد آن در شرح و تصحیح متن ادعا می‌نماید. صفرزاده در این یک‌وهه‌ی ابتدا به بررسی زبان و معنی واژه‌ی پردیشته است. سپس برخی تفاوت‌های آویزی در گویش تاتی شمال خراسان با فارسی معیار و درکرده و بعد از آن با آوردن ابزارزی از شاعران پارسیان و گمانه‌زنی نهایتاً سایر می‌توان ادیب به حفظ و اضافه‌ی از داستان‌های تاتی در آثار این پرگات‌ان اشتهای است و هم‌زمانه به معنی این افزایش نیز بردیده است.

- سیزی‌پور (1388) به بررسی و تطبیق سه گویش تاتی خلخل، تالسی و گیلیک در حوزه زبان ساخت فعال، پگارش درآورده است. بدین مظور از بهتر گویش‌های گونه‌ای انتخاب شده که در مرحله اول، گونه‌های یک گویش با هم و در مرحله بعد با دو گویش دیگر و سرانجام با هشت گویش
آرزوی دوره باستان و میانه مقایسه شدن‌اند. در این پژوهش مباحثی مانند ریشه، ماده، وندهای فل، وندهای مصدر، صفت مفعولی، تعریف، و... بررسی شده است.

نووروززاده (1389) کویش ناتی روستایر روبن واقع در شهرستان استهبان را مورد بررسی قرار داده است و به کاربرد آن در تصحیح و شرح متن ادب فارسی پرداخته است که بسیار شبیه به کار صفرزاده (1382) می‌باشد.

اکبرزاده، کنعانی و علی (1389) به بررسی کویش ناتی سنتخواست و جاجرم واقع در خراسان شمالي در آثار عطار پرداخته‌اند. اشتیاق در ذکر ابیاتی از آثار، به شرح معنی و تلفظ برخی واژگان ناتی در آثار این شاعر هم‌گام هستند.

حسین زین‌النیازی (1389) به بررسی ساخت فعل در کویش ناتی اشتهارده برداخته است.

داده‌ها بررسی می‌پذیرد به صورت فاصله جمع آوری شده و سپس ارائه‌داری و تحلیل شده‌اند.

برخی تالیف این پژوهش بروند شرح این: نظام فعال در اشتهارده بر اساس در ستای حالت و جذب شده بنا شده است: در اشتهارده نظام انطباق زمان‌بندی وجود دارد.

از پژوهش‌هایی که در دوره اعمال کویش‌های شمال خراسان انجام شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ایلچه گرگی (1386) به توصیف دقیق گروه فعالی کویش نیشابوری و عنصر موجود در آن در کارچوب نظیری ایکس‌شیره برداخته است: نیز درآمدهای نگه‌ی که در گروه فعالی کویش نیشابوری عمل می‌کند و جهت و نمود فعال در این کویش را به تفصیل بررسی کرده است.

۲. الباغی (1389) فعال‌های ماسی و ممارع کویش سیزواری را مورد بررسی قرار داده است.

این پژوهش ضمن تعریف و کاربرد فعال‌ها و سپس کلیه مسائل، نکاتی را نشان می‌دهد که مختص کویش سیزواری ایست و تحول آن‌ها و ساختاری، نزدیک به زبان‌های باستانی، و تغییر مصوصی // به /ーター که یکی از ویژگی‌های فعال ممارع سیزواری است، روشن می‌شود.

۳. زهی‌نامه و شریفی (نویسچه) با ویک‌سی توصیف و نتایج و انتقاده و به ثبت و رفع ویژگی‌های ساخت‌واژی باستانی فعال‌های کویش فارسی زهی‌نامه (سیزواری-رستف) برداخته‌اند. برخی از نتایج این اشتباه تازه‌ای این که: شناسایی فاعلی این کویش هم‌ساختگی پیش‌تری با نظر خود در
3 روش تحقیق

در این پژوهش به منظور دستیابی به داده‌های مورد نظر برای بررسی صرف فعال در گویش ادکان، تعداد ده زن در سنین 50 تا 75 و پنج مرد در سنین 45 تا 50 سال که اغلب به سواد و کم‌سواد و تکذیب‌های که از کودکی ساکن همین روستا بوده‌اند، به صورت نمونه‌گیری هدف‌مند از بین کل جمعیت آماری انتخاب شدند. نگارندگان از قبل درمان‌نامه‌ای را که موضوع سوالات آن در مورد حوادث مختلف در زمان گذشته و برنامه‌های افزایش در آینده بود، روزی کاغذ تدوین کردند. سپس سوالات این پرسشنامه را از افراد مذکور به صورت شفاهی - بدون در اختیار قرار دادن پرسشنامه کاغذی - به‌طور تصادفی پرسیده و صدای صحت آن‌ها را با دستگاه ضبط صدا ضبط کردند. پس از آن، کسانی این افراد به روش تحریز در آمده و آوانویسی شده است. در گفتار این گویش نمایش ده و از گذشته و صرفي پیسایی با زبان معیار مشاهده شد. در این مقاله، صرفه‌گرایی در افراد است و مراجعه به موارد مختلف و مقایسه آن با فارسی معیار می‌پردازد.

4 ساختار فعل در گویش ادکان

از نظر وحدایان کامیار (1390: 32) فعل یک خصوصی اصلی گزاره است و بخشان آن داشتن شناسه است که معمولاً با نهاد مطالب متغیر متعدد در این گویش فعل از نظر اجزای تشکیل‌دهنده به سه نوع ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌شود. فعل ساده آن است که بین مضافات آن تها یک تک‌تاز باشد.

جدول 1. جند نمونه فعل ساده در گویش ادکان بین مضافات آن‌ها

<table>
<thead>
<tr>
<th>فعل</th>
<th>فارسی معیار</th>
<th>گویش ادکان</th>
<th>فارسی معیار</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/gerefte/</td>
<td>گرفت است</td>
<td>/didag/</td>
<td>دید</td>
</tr>
<tr>
<td>/gir/</td>
<td>گیر</td>
<td>/bin/</td>
<td>بین</td>
</tr>
</tbody>
</table>

اگر به اندیش برخی از فعل‌های ساده یک وند افزوده شود، به فعل پیشوندی تبدیل می‌شود:

مقایسه واژه - صرفی افعال گویش...
بی‌گزشت.

به در شد.

و اگر پیش از فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تکواز مستقل بیاید، با آن ترکب شود، حاصل

فعل مربوط است:

لیاس‌ها را پهن کردم.

دستگاه فعل‌گذار ادکان بر اساس دو ستای حال و گذشت، دو شمار و سه شخص قرار دارد.

زمان‌های مختلف با ستای‌ها و شناسه‌ها ساخته می‌شوند.

\[
\text{ستای} \, \text{به آن بخش از فعل اشاره دارد که در هر شش ساخت آن مشترک است و وندهای}
\]

\[
\text{بهره طبیعی می‌باشد و می‌توان آن را به روش‌های زیر به دست آورد:}
\]

\[
\text{الف) ستای حال}
\]

\[
\text{ستای حال 1 در حقيقة همان روشه فعل می‌باشد و می‌توان آن را به روش‌های زیر به دست آورد:}
\]

\[
/\text{fek}^{\text{ invokes}}/ \quad \rightarrow \quad /\text{fek}^{\text{tæn}}/
\]

\[
/\text{fek}^{\text{tæn}}/ \quad \rightarrow \quad /\text{be-fek}^{\text{fæn}}/
\]

\[
/\text{be-fek}^{\text{fæn}}/ \quad \rightarrow \quad /\text{fek}^{\text{tæn}}/
\]

\[
/\text{fek}^{\text{tæn}}/ \quad \rightarrow \quad /\text{be-fek}^{\text{fæn}}/
\]

ب) ستای گذشت

\[
\text{ستای گذشت 3 در این کوشش با حذف نشانه مصدری} /\text{en} \quad \rightarrow \quad /\text{id}s/
\]

\[
\text{به ستای حال ساخته می‌شود:}
\]

1. \text{res} + /-id/ \rightarrow \text{resid}

2. \text{koʃ} + /-t/ \rightarrow \text{koft}

3. \text{xor} + /-d/ \rightarrow \text{xord}

\[
\text{1stem} \quad \quad \text{2 present stem} \quad \quad \text{3 past stem}
\]
جدول ۲. مقایسه شناسه‌های فعل‌اضافی ساده گویش ادکان و زبان فارسی می‌باشد.

<table>
<thead>
<tr>
<th>فعل‌اضافی گویش ادکان</th>
<th>شناسه‌های فعل‌اضافی فارسی می‌باشد</th>
<th>شناسه‌های مخصوص</th>
<th>شخص و شمار</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/gof-t-om/</td>
<td>/-om/</td>
<td>/gof-t-om/</td>
<td>اول شخص مفرد</td>
</tr>
<tr>
<td>/gof-t-i/</td>
<td>/-i/</td>
<td>/gof-t-i/</td>
<td>دوم شخص مفرد</td>
</tr>
<tr>
<td>/gof-t-aeg/</td>
<td>/-aeg/</td>
<td>/gof-t-aeg/</td>
<td>سوم شخص مفرد</td>
</tr>
<tr>
<td>/gof-t-im/</td>
<td>/-im/</td>
<td>/gof-t-im/</td>
<td>اول شخص جمع</td>
</tr>
<tr>
<td>/gof-t-in/</td>
<td>/-in/</td>
<td>/gof-t-id/</td>
<td>دوم شخص جمع</td>
</tr>
<tr>
<td>/gof-t-aen/</td>
<td>/-aen/</td>
<td>/gof-t-aen/</td>
<td>سوم شخص جمع</td>
</tr>
</tbody>
</table>

چنان‌که دیده می‌شود شناسه‌ها در زمان‌گذشته ساده در فارسی عبارت و گویش ادکان با یکدیگر متفاوت هستند. به‌این ترتیب که شناسه‌های سوم شخص مفرد در فارسی معیار/0-و در گویش ادکان/1-ایا صورت و اکگرفته آن/0-ام/باید. این شناسه‌های تک‌واژه است که در گذشته از ماده‌ای و از جمله مفعوله می‌ساخته و در این گویش به صورت شناسه سوم شخص متصل بنا به تحلیل این است که هنگام تک‌واژه، این شناسه‌ها به‌صورت واضح ادا می‌شود. همچنین در اول شخص مفرد برای/0-/-om/در فارسی معیار و/0-/-em/در فارسی معیار
استفاده می‌شود و در سوم شخص جمع همخوان از اخیر شناسه حذف شده است.

جدول 3 مقایسه شناسه‌های فعل مضارع گویش ادکان و فارسی می‌باشد:

<table>
<thead>
<tr>
<th>شناسه‌بندی</th>
<th>شناسه‌بندی</th>
<th>شناسه‌بندی</th>
<th>شناسه‌بندی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/mo-g-om/</td>
<td>/-om/</td>
<td>/mi-guj-eem/</td>
<td>/-æem/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-g-i/</td>
<td>/-i/</td>
<td>/mi-guj-i/</td>
<td>/-i/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-g-æ/</td>
<td>/-æ/</td>
<td>/mi-guj-æd/</td>
<td>/-æd/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-g-im/</td>
<td>/-im/</td>
<td>/mi-guj-im/</td>
<td>/-im/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-g-in/</td>
<td>/-in/</td>
<td>/mi-guj-id/</td>
<td>/-id/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-g-æn/</td>
<td>/-æn/</td>
<td>/mi-guj-ænd/</td>
<td>/-ænd/</td>
</tr>
</tbody>
</table>

شناشته‌های مضارع فارسی معیار و گویش ادکان نیز با هم متفاوتند: در اول شخص مفرد برابر /æm/ در فارسی معیار /-om/ و در دوم شخص جمع برابر /id/ استفاده می‌شود و در سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع همخوان از اخیر شناسه حذف شده است.

زمان ۲-۰۲-۲۰۲۰-۱ ماهی ساده

سنگ گذشته و شناسه‌بندی در این گویش می‌باشد در موارد زیر به کار می‌رود:
الف) برای بیان عملی که در گذشته انجام گرفته بدون نیاز به دویچ و نزدیکی زمان برادرم دام‌ها را علوفه داد.
\(\text{ber}\text{ rom m\text{\textregistered}ræjem kord-æeg/}\)
ب) آینده قربانی‌الوقوع
\(\text{ali bi-j-\text{\textregistered}/}\)
\(\text{æmed-om/}\)

سال هفتم شماره ۵۸
مجاهرانشاسی و گویش‌های خراسان دانشگاه فردوسی مشهد
جدول ۴. صرف فعل «دوختن» در زمان گذشته ساده

<table>
<thead>
<tr>
<th>کویش ادکان</th>
<th>فارسی معیار</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/dec:xt-om/</td>
<td>/dec:xt/</td>
</tr>
<tr>
<td>/dec:xt-i/</td>
<td>/dec:xt/</td>
</tr>
<tr>
<td>/dec:xt-aεg/</td>
<td>/dec:xt/</td>
</tr>
<tr>
<td>/dec:xt-im/</td>
<td>/dec:xt/</td>
</tr>
<tr>
<td>/dec:xt-ɛn/</td>
<td>/dec:xt/</td>
</tr>
</tbody>
</table>

اگر فعل زمان گذشته به حالت مبهم، سوی و با وازهسته‌های ضمیری در نفی مفعول به کار رود، پسند /aεg/ قبل از ضمیر مفعولی ظاهر می‌شود. این امر در فرض بازتحلیل را که کلیل به آن اشاره شد، تقویت می‌کند:

to a تعقیب می‌کرد.

همچنین اگر فعل جمله از افعال مربوط جملات باشد، /aεg/ بازهم قبل از وازهسته‌های ضمیری در نفی مفعولی ظاهر می‌شود:

/særefri z kord-aeg=em/.

جدول ۵. خوئاند + صیفه‌های مختلف ضمایر مفعولی

<table>
<thead>
<tr>
<th>کویش ادکان</th>
<th>فارسی معیار</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/xor:nd-aeg=om/</td>
<td>/xor/</td>
</tr>
<tr>
<td>/xor:nd-aeg=et/</td>
<td>/xor/</td>
</tr>
<tr>
<td>/xor:nd-aeg=el/</td>
<td>/xor/</td>
</tr>
<tr>
<td>/xor:nd-aeg=em/</td>
<td>/xor/</td>
</tr>
<tr>
<td>/xor:nd-aeg=et/</td>
<td>/xor/</td>
</tr>
<tr>
<td>/xor:nd-aeg=el/</td>
<td>/xor/</td>
</tr>
</tbody>
</table>

خوئاند

خوئاندم

خوئاندش

خوئانداش

خوئانداشان

خوئانداشان
در جدول بالا، شناسه /æg/ در همه فعل، در مقام شناسه سوم شخص مفرد، نشان دهنده فعل انجام کاراست. بنابراین

این ضریح دریایی از «امام مهدی» استفاده می‌شود.

در حقیقت، در این گویش به‌دلیل هماهنگی واکاوی با ساخته فعل از /ne/ استفاده می‌گردد:

/nej-tmęnd-æg/

/no-xord-i/

یک ماه پنجمی می‌کنیم.

/jeæ mə me-raeft-im bulə/

(ب) برای بیان تکرار عملی در گذشته

/haer sefer me-did-om-ef kær mo-kord-æg/

(ب) بیان عادات در گذشته

/pierom sigær me-kjíd-æg væli hælæ tæk kordæ/

پدید سیگار می‌کشد و لی این آن تکر گرد است.

(ت) بیان فعل که در زمان واقع، یک دیگر نیز واقع شده باشد.

/zæm nın mo-xord-ægke mæ æmæd-om/

زهرا ناهار می‌خورد که من آدمم.

(ث) به‌جای مضارع النزامی

/kæʃk(m) mi-æmæd-ægmə xoʃl me-raeft-im/

کاشش می‌آمد تا ما خوشحال می‌شدم.

(ج) به‌جای فعل النزامی، همراه با یک دیگر و جزای شرط در این صورت معمولاً ماضی

دبیری پیش از آن آورده می‌شود:
جدول ۶ صرف فعل «دوشیدن» در زبان‌های ماضی استمراری

<table>
<thead>
<tr>
<th>فعل ماضی استمراری</th>
<th>فارسی معنی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/me-de:xt-om/</td>
<td>/me/-</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-de:xt-i/</td>
<td>/de:xt/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-de:xt-aeg/</td>
<td>/me/-</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-de:xt-im/</td>
<td>/de:xt/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-de:xt-en/</td>
<td>/de:xt/</td>
</tr>
</tbody>
</table>

همچنان که ملاحظه می‌شود در گویش ادکان شناسه سوم شخص مفرد ماضی استمراری نیز /æg/ است در صورتی که در فارسی معنی /æ-مه/ باشد.

اگر فعل زبان ماضی استمراری به حالت سبیل باشد و یا استمباری ضمیری در نقش فعلی بدهد، پایان فعل اضافه شود، پسر گویش /æg/ قبل از شناسه ماهه فعل هماظهر می‌شود:

/ mod ommand-æg-e/  

ساخت سبیل به کمک ستانک گذشته در حالت غیرسیبی نیز در این گویش به کار می‌رود و به نظر می‌رسد پیام تأکید بر انجام کار است:

/me/- owxer ræ fegest-ænd-om/  

در این گویش، پیشوند استمراری به صورت‌های مختلفی /مون/ به کار می‌روید خاصیت استمرار با واکه ستانک باید میاندی و مورد استفاده قرار ندهد. ثابت می‌شود که به سبب هم‌اکنونی واکه تکرار استمرار با واکه ستانک باید میاندی و مورد استفاده قرار گیرد. مثالی می‌گوییم /موگوم/ به دلیل وجود
واکه /۰/ ستاک است به همین ترتیب داریم: می‌ریزند /merez:zen/، می‌بردید /mowordin/.

علاوه بر همگانی واکه، شاهد کشش جبرانی بدلیل حذف واج /۲/ در /۱/ هستیم.

ستاک حال فعل «دوشیدن»، دوش» است که در این گویش در زمان‌های ماضی ساده، استمراری، نقلی، بعد و اضلاعی به صورت /de:xt/ به کار می‌رود و با ستاک گذشته از صورت «دوخت» استفاده می‌شود. اما در زمان آینده، مضارع اخباری، مضارع اضلاعی و اسم، ستاک مضارع دوش» به کار می‌رود.

ماه‌گاوا را دوشیده بود.

ماه‌گاوا را دوشیدم.

ماه‌گاوا را دویم.

ماه‌گاوا را یاد شد.

برای ساخت صورت منفی فعل در ماضی استمراری، از /ne-/ همانند فارسی معیار) و در برخی موارد به‌دلیل همگانی واکه‌ای با ستاک فعل، از /no-/ نیز استفاده می‌گردد.

نیم دوختم.

نیم خوردم.

نیم خوردم.

نیم خوردم.

۲۰۲۲-۳-۲۴ ماضی نقلی

ستاک گذشته + شناسه فعلی گذاشته ساده + نشانه صفت مفعولی

ماضی نقلی در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) بروای بان عالمی که در گذشته انجام شده و آثار و تأثیر آن در زمان حال باقی است:

/gleÆ vœr-gef[t-w/.

ب) در فعل‌های لحظه‌ای‌نداموی ۱ بر مضارع اخباری دلایل دارد:

آنها خوابیده‌اند.

/ unÆ xosbid-œn/.

صرف فعل در ماضی نقلی مشابه صرف آن در ماضی ساده می‌باشد. همانند گفتن عادی در گویش ادکان نیز، در صورت فعل ماضی نقلی معنایا ولی هکا پایانی /ه/ صفت مفعولی تلفظ نمی‌شود.

افعالی که عملیان در یک لحظه انفجاری می‌افتد اما ادامه پیدا می‌کنند.
جدول ۷ صرف فعل «شستن» در زمان ماضی تقلی

<table>
<thead>
<tr>
<th>گویش ادکن</th>
<th>زبان فارسی معیار</th>
</tr>
</thead>
</table>
| /oft
d-om/ | شستام |
| /oft
d-i/ | شستای |
| /oft
d-æ/ | شسته است |
| /oft
d-im/ | شسته‌ای |
| /oft
d-in/ | شسته‌ای |
| /oft
d-æn/ | شسته‌اند |
| /oft
d-æn/ | شسته‌اند |

تفاوت صرف فعل در زمان ماضی تقلی و ماضی ساده در جایگاه تکیه است به‌این ترتیب که در ماضی ساده تکیه روی هجای آغازین فعل و در ماضی تقلی روی شناسمه است؛ علاوه بر این، شناسه‌های صرفی ماضی تقلی، مانند زمان گذشته ساده‌اند. به‌جز شناسه‌های شخص مفرد که در ماضی ساده/æ/ و در ماضی تقلی/æ-æ/ قرار می‌گیرند.

برای ساخت صرف منفی فعل در این زمان در فارسی معیار از/æ/ استفاده می‌شود. در این گویش به‌سیب هم‌مانندی واکهای با ستایک فعل از/æ-/ استفاده می‌گردد:

- /ne-reft-æn/ | نرفته‌اند |
- /no-æf-æ/ | نرفته‌اند |


c-æ 2-2-2-2 ماضی بعد

ستایک زمان گذشته + نشانه صفت معقول + شناسه فعل

موراد کاربرد ماضی بعد:

الف) برای پیان کاری که در گذشته پیش از انجام کار دیگری اتفاق افتاده باشد:

/væxtæ aez beri æmæd-om u xosbíd-e-ːd-æg/
وکنی از گویش‌های خراسانی در زمان‌های قدیم بود.

پیدایش و کار در زمان‌های قدیم گویش‌های خراسانی دارد. در زمان‌های قدیم، گویش‌های خراسانی به صورت جداگانه و نیز به صورت مشترکی عمل می‌کردند.

ظاهر یکی از کلام‌های قدیمی می‌تواند با حرف اضافه فعل اول نهایی یک جدول در زمان‌های قدیم به صورت زیر باشد:

<table>
<thead>
<tr>
<th>فارسی معیار</th>
<th>پارامترهای فعل</th>
<th>اسم فعل</th>
<th>نشانه صفت فعلی</th>
<th>ستایش</th>
<th>ماهیت فعل</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/refl-e-d-om/</td>
<td>/refl/</td>
<td>/-e/-</td>
<td>/d/-</td>
<td>/-om/</td>
<td>رفته بودم</td>
</tr>
<tr>
<td>/refl-e-d-i/</td>
<td>/refl/</td>
<td>/-e/-</td>
<td>/d/-</td>
<td>/-i/</td>
<td>رفته بودی</td>
</tr>
<tr>
<td>/refl-e-d-aeg/</td>
<td>/refl/</td>
<td>/-e/-</td>
<td>/d/-</td>
<td>/-aeg/</td>
<td>رفته بود</td>
</tr>
<tr>
<td>/refl-e-d-im/</td>
<td>/refl/</td>
<td>/-e/-</td>
<td>/d/-</td>
<td>/-im/</td>
<td>رفته بودید</td>
</tr>
<tr>
<td>/refl-e-d-in/</td>
<td>/refl/</td>
<td>/-e/-</td>
<td>/d/-</td>
<td>/-in/</td>
<td>رفته بودید</td>
</tr>
</tbody>
</table>

کلمه فعل به صورت زیر در زبان فارسی استفاده می‌شود:

/fest-e-d-aeg (ke) to rae be-bin-ae/

جدول 8: صرف فعل "رفت" در زمان‌های قدیم

به همین علت، در زمان‌های قدیم، صرف فعل "رفت" به صورت زیر در زبان فارسی استفاده می‌شود:

الف) حذف‌های تکه‌ای و همچنین مجدد

/gofte bdom/

ب) مربعه به اجرا در نتیجه استفاده کنید

/gofte bdom/

ت) ادغام در هم

/gofteb dom/

/gofted dom/
مثال‌نامه‌ی افزونه‌ی افعال گویش... سال هفتمی‌شماری‌المازینی

(ت) حذف واج مشهد
/gofte dom/

(ج) ایجاد کكش چپین‌ی پس از حذف واج مشهد
/gofte: dom/

در صورت مفعول فعل در این زمان در فارسی معیار از /ne-/ و /no-/ استفاده می‌شود:

همان‌گونه واکهای با ستک فعل از /ne-/ و /no-/
نرفته بوده.

/nej:ref-t-e:-d-im/

/nej:ref-t-e:-d-in/

۵-۲-۴- ماضی الزامی

ستاک گذشته‌ی + نشانه صفت مفعول + فعل کمکی + شناسه فعلی

ماضی الزامی در این گویش همچنین فارسی معیار برای بیان احتمال، آزمایش، شرط، تحذیر و الازم در گذشته، همراه با عوامل الزامی ساز اگر /æ/ شاید /æ/ می‌باشد. /mæxæ/، شاید /æ/ و مترازه‌های آن به‌کار می‌رود. هم‌چنین در صرف فعل کمکی /æ/ کودکان تضعیف رخ داده و جای خود را به /æ/ /یم دهد /یم خفیف تلفظ می‌شود.

جدول ۹ صرف فعل «کردن» در زمان ماضی الزامی

<table>
<thead>
<tr>
<th>گویش ادکان</th>
<th>ماضی الزامی</th>
<th>نشانه صفت مفعولی</th>
<th>فعل کمکی</th>
<th>شناسه معیار</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/kord-æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td>/æ/</td>
<td>/æ/-om/</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>/kord-æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td>/æ/</td>
<td>/æ/-/</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>/kord-æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td>/æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>/kord-æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td>/æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>/kord-æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td>/æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>/kord-æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td>/æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>/kord-æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td>/æ/</td>
<td>/æ/-æ/</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>
در صورت منفی فعل در این زمان در فارسی معیار از /me-/ و لی در گوشی ادکن به سبب هماهنگی واکهای با ستک فعل از /ne- /no- استفاده می‌گردد:

/ ne-de:x-æeʃ-i/
/no-gre:x-æeʃ-æn/

۲-۲-۲-۶. ضرایب اخباری

پیشوند که”+ ستک حال + شناسه فعلی

موارد کاربرد ضرایب اخباری

الف) برای بیان عملی که هماکنون در حال انجام گرفتن است یا جناب عادت و استمرار و تکرار دارد:

نامه می‌نوسیم.

ب) برای بیان زمان آینده:

فردا به باغ می‌روم.

/fere: mo:-om b / G/

جدول ۱۰. صرف فعل خیرین؛ در زمان ضرایب اخباری

<table>
<thead>
<tr>
<th>گوشی ادکن</th>
<th>ضرایب اخباری</th>
<th>شناسه</th>
<th>ستک</th>
<th>می‌خورد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/me-xer-om/</td>
<td>/me/-</td>
<td>/xer/</td>
<td>-/-om/</td>
<td>می‌خرد</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-xer-i/</td>
<td>/me/-</td>
<td>/xer/</td>
<td>-/-</td>
<td>می‌خورد</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-xer-æ/</td>
<td>/me/-</td>
<td>/xer/</td>
<td>-/-æ</td>
<td>می‌خورد</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-xer-im/</td>
<td>/me/-</td>
<td>/xer/</td>
<td>-/-im</td>
<td>می‌خورد</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-xer-in/</td>
<td>/me/-</td>
<td>/xer/</td>
<td>-/-in</td>
<td>می‌خورد</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-xer-æn/</td>
<td>/me/-</td>
<td>/xer/</td>
<td>-/-æn</td>
<td>می‌خورد</td>
</tr>
</tbody>
</table>

به تبعیت از ستک فعل (هماهنگی واکهای)، پیشوند ضرایب ساز به /me-/mo-/ / تغییر

می‌یابد:

/mo-n-om/
طی واری-صرف‌های افعال گوشه

| فارسی معيار | گوشه ادکان | ماضر یزدی | ستاک | شناسه | توده | باکس | برنامه
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/me-gez-æ/</td>
<td>/bo-/</td>
<td>/i/</td>
<td>/-om/</td>
<td>برنامه</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>/mu:-r-i/</td>
<td>/be-r-/</td>
<td>/r/</td>
<td>/-i/</td>
<td>پروی</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>/be-r-æ/</td>
<td>/r/</td>
<td>/-æ/</td>
<td>پروی</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>/be-r-im/</td>
<td>/r/</td>
<td>/-im/</td>
<td>پروی</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>/be-r-in/</td>
<td>/r/</td>
<td>/-in/</td>
<td>پروی</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>/be-r-æn/</td>
<td>/r/</td>
<td>/-æn/</td>
<td>برنامه</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

پیشوند «ب» + ستاک حال + شناسه فعلی

مضارع النزامی در این گوشه برای بیان اختیاری، آغاز و الگوی در آنها همراه با عوامل النزامی ساز

|
| /ælæbd/ شاید |
| /ætʃd/ MAN be-r-æ/ | خدا نکن انسان |

نیازمند شود.

جدول 11. صرف فعل «رفتن» در زمان مضارع النزامی

<table>
<thead>
<tr>
<th>گوشه ادکان</th>
<th>ماضر یزدی</th>
<th>ستاک</th>
<th>شناسه</th>
<th>توده</th>
<th>باکس</th>
<th>برنامه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/bo-r-æ/</td>
<td>/-æ/</td>
<td>/-æ/</td>
<td>/-æ/</td>
<td>برنامه</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

ویژگی ساخته این زمان داشتن تکواز النزامی ساز /be-/ است که در این گوشه به‌سبب هم‌همگی واکهای با ستاک فعل، /be-/ به کار می‌رود:
در گویش ادکان در استفاده از فعل «داشتن» به‌زمان مضارع‌تازه‌ی، تک‌واژاً‌تازه‌ی صرف شده و در افعال پیش‌وندی و مربوط به هر دو صورت با حذف /be/ و بدون حذف /be/ دیده می‌شود:

فعل «داشتن»:

/ ægæ pul dær-i yəkəm be mæ be-t-i/

فعل پیش‌وندی «برخاستن»:

/ ælbæd zid əz xow væxez-æ/

فعل پیش‌وندی «فرود کردن»:

/ ægæ me:x-æbe dif ñ fere: ken-æ/

فعل مربوط «نگاه داشتن»:

/ ægæ mələmənæli dær-in neg ñ(æ)ðær-in/

در این گویش مشابه فارسی معیار، تک‌واژاً‌تازه‌ی صرف به‌زمان از فعل پرکاربرد «کردن» حذف می‌گردد:

/ ægæ i kərəm kænæ vəzom fejdæ ne-dær-æ/

اگر این کار را هم کنید باز هم بفایده است.

هیچ‌گاه مفتی ساختن فعل در مضارع‌تازه‌ی فارسی معیار /be/- حذف شده و /be/- حذف شده و /nae/- با حذف شده و /nae/- حذف شده و /no/- استفاده

می‌گردد:

/keɪʃ(ɪ(m)) gaep ne-zn-i/

اگر گذا نخورید.

/ ægæ n n no-xæ-æ/

2-4-2-8 - آیده

از نظر وحیدیان و عماری (۱۳۹۰: ۵۶ و ۵۷) این فعل پیش‌وندی است.
در این گویش برای بیان کاری در آینده اغلب از مضارع اخباری استفاده می‌شود:

/ферدمورام/

علاوه بر آن، فعل کمکی «خواستن» نیز برای بیان زمان آینده به کار می‌رود:

فعل کمکی «خواستن» + بیشوند + ستاک مضارع + شناسه

جدول ۱۲: صرف فعل «کاشتن» به کمک فعل «خواستن»

<table>
<thead>
<tr>
<th>کوریش ادکلن</th>
<th>فارسی معیار</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>آینده</td>
<td>من خواهم بگرم</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-x-æ be-kaar-om/</td>
<td>/mæxæ/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-x-æ be-kaar-i/</td>
<td>/mæxæ/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-x-æ be-kaar-æ/</td>
<td>/mæxæ/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-x-æ be-kaar-im/</td>
<td>/mæxæ/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-x-æ be-kaar-in/</td>
<td>/mæxæ/</td>
</tr>
<tr>
<td>/me-x-æ be-kaar-ën/</td>
<td>/mæxæ/</td>
</tr>
</tbody>
</table>

همان‌گونه که در جدول بالا دیده می‌شود، برخلاف بین فارسی معیار که فعل کمکی «خواستن» و نیز فعل اصلی صرف می‌شود، در این گویش فعل کمکی «خواستن» صرف نمی‌شود و به صورت /بکار می‌رود، و تناها فعل اصلی صرف شده و شناسه می‌پذیرد/mæxæ/ ندارد و به‌جای آن برای بیان زمان آینده منفی در این گویش، صورت منفی فعل کاربردی ندارد و به‌جای آن از صورت منفی مضارع اخباری استفاده می‌شود. همانند فارسی معیار:

آن درخت را خواهم کاشت. /me-x-æ u deræxt-æ be-kaar-om/ آن درخت را نخواهم کاشت. / u deræxt-æ nem-kaar-om/ اگر فعل کمکی در ترتیب زمان آینده برای دوم شخص منفی شود، مفهوم «نهی» را خواهد داشت:

/ ne-m-x-æ deræxt-æ be-kaar-i/ و اگر / ne-m-x-æ deræxt-æ be-kaar-im/
نمی‌خواهد (لازم نیست) درخت را پکاریم (عدم لزوم و ضرورت).

اگر خواستن‌ها مانند شناسه فعال بعدی‌اش را بگیرد، مفهوم «عدم تمایل به انجام کار» را می‌رساند:

/me-m-x-im deraext-æ be-kær-im/

ما نمی‌خواهیم درخت را پکاریم (معامل نداشتن):

«خواستن» در جمله زمان آبنده همیشه قبل از مفعول قرار می‌گیرد:

/me-x-æ kæsse-h æ be-æf-om-

لازم به ذکر است زمان‌های ملموس اعم از ماضی و مضارع ملموس در این گونه کاربردی ندارند و جملاتی که مفهوم این کاربرد را بررسانند به‌کمک تکیه و آنگون کلام و یا با استفاده از جمله‌بایی قید مکان و زمان که بر انجام کار تأکید داشته باشند، بیان می‌شوند:

/ æli kod in-n-æ/

/xaææ-æ daers me-xæn-æ/

/kod i bid-i/

/mælæ ræjem mo-kord-om-

هم‌چنین ماضی نقلی مستمر و مضارع مستمر نیز به آن صورتی که در زبان فارسی می‌تواند و در این‌گونه کاربرد و این مفاهیم زبانی، اغلب با استفاده از تغییر تکیه و آنگون کلام و یا تغییر کشش واکنشی بر شناسه‌های فعال در زمان‌های ماضی و مضارع بیان می‌شوند.

/3-4 فعال امر

/پیشوند در این گونه همانند فارسی می‌تواند دو ساختمان باشد:

الف) دوم شخص مفرد

جدول 13. صرف فعل «دادن» در ساختمان امر دوم شخص مفرد

<table>
<thead>
<tr>
<th>فارسی میار</th>
<th>امر</th>
<th>شناسه</th>
<th>پیشوند</th>
<th>گویش ادکان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>پیشوند</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>شناسه</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>امر</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>
جدول ۱۴. صرف فعل "خوردن" در ساخت امر دوم شخص جمع

<table>
<thead>
<tr>
<th>فعل امر</th>
<th>شناسه</th>
<th>پیشوند</th>
<th>فارسی معیار</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>/bo/-</td>
<td>/xor/</td>
<td>/in/</td>
<td>/boxrin/</td>
</tr>
<tr>
<td>گویش ادکان</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

فعل ایستادن در دوم شخص جمع، شناسه یا پیشوند /æg/ می‌گوید:

/be-stæg xod dit kër daer-om/

اما از مصدر "بستگی" در این گویش با ستک گذشته ساخته می‌شود، بنابراین دو تکواز /be/  کنار هم قرار می‌گیرند و اغلب در طی فرآیند واجی تضعیف، تکواز دوم به /we/ تبدیل می‌گردد:

/bebest/ , /bu:st/ 

تبین واجی است: /bewest/ در طی فرآیند واجی تضعیف به /u/ تبدیل می‌گردد: /bu:st/ همیشه، در این گویش صرفاً با تکواز /æ/ می‌شود که با این تفاوت بسیار قابل توجه به‌شکلی که یکی از یکی گویش‌های دیگر /æ/ است.

/æ/ می‌گوید: /ˈæxəst/ 

در فعال اصلی که دارای این پیشوند هستند، می‌شود و فعل امر /mæ- 

آنها نیز به همان پیشوند و بدون حضور "ب" ساخته شده و منفی می‌شود; البته علاوه‌الدیه /mæ- 

همراه با فعل اصلی به کار می‌رود:

/æ nederlander bëreich./
گرایش به استفاده از افعال مرکب به‌جای افعال ساده فارسی معیار در این گوشی فراوان است که همانند فارسی معیار در ساخت منفی، علامت نی در انتها همکرد ظاهر می‌شود. لیاس هایت را پوشید؟

/رخت‌ت‌آب‌ر را پوشید/  

5- ویژگی‌های مشترک در ساخت‌منفی فعل‌های گویش
در این گوشی به‌جای تک‌واژه‌ای ساخت‌منفی فارسی با استفاده از تک‌واژه‌ای ساخت‌منفی می‌شود که

/efid/ بازمانده به‌جای است (آمورگار و تفضیل، 1326): افتاده
بن‌مضراب فعل‌هایی که به دو واکه مرکب که

/ow/  

و/ ei/ علامت ماضی‌ساز /  

/ist/ علامت ماضی‌ساز / id

در هجای آغازین فعل‌هایی که واکه/ آ/ با/ آ/ دارند اغلب تبدیل واکه گرفته و به واکه تبدیل می‌شوند: علاهم/ آ/ نیز معمولاً همین

/انف می‌افتد/  

/اکثری استمراری و/ استمراری و/ امری‌ساز و/ mi-/ اخباری و/ اخباری و/ آ/ با/ آ/ با/ آ/  

با توجه به واکه/ آ/ از/ آ/ پیش‌رفت

/ب/ از/ آ/ پیش‌رفت

مثلاً: ایستادن در اول شخص مفرد زمان‌های مختلفه این صورت صرف می‌شود:

/mexæ bestom/

/می‌خواهم باشتم. آن‌هه:

/mestidom/

/گذشته‌استمراری: می‌یستادم.

/bestom/

/حال‌نظام: باشتم.

/mestom/

/حال‌اخباری: می‌یستم.

6- نتیجه‌گیری
در این مقاله به بررسی صحیح از نظام فعلی گوشی ادکان برذاخته شد و مشاهده کردیم افعال در
این گوشی در بسیاری موارد از لحاظ آوایی و صرفی به فارسی معیار به‌خصوص در ساخت‌های استمراری، آن‌هه، ماضی‌تبدیل و ماضی‌نیت‌نفل منفی است. در پی پاسخ به دو پرسش مطرح‌شد: در
ابتدای پژوهش، مهم‌ترین نتایج بروزی انجام شده را در موارد زیر می‌توان خلاصه نمود. در این
گویش:

۱. برخلاف فارسی معیار، فعال‌ها در زمان‌های مناسب نقی قلم مستمر، ماضی‌ای با مضارع
ملموم سرف نمی‌شوند. زمان ماضی ساده بایگان انجام کار به صورت مستمر با ملموم نیز می‌باشد.
فعل ماضی بعد، کاری که در گذشته دورتر هم اتفاق افتاده باشد، بیان می‌کند. کرش و تکمه بر
روی شناسه فعل، تکه و اهمک کلام، نوع ماضی نقی را از ماضی نقی مستمر، با مضارع اخباری را
از مضارع ملموم مستمای را می‌باشد.

۲. شناختی نبود. با فارسی معیار، با این ترتیب که در تمامی نشانه‌های ماضی و مضارع در
اول‌شخص مفرد گزارش/om/ در فارسی معیار، و در دوم‌شخص جمع برای/em/ در فارسی
معیار، استفاده می‌شود و در سوم‌شخص جمع مسائل/â/ از آخر شناسه حذف شده است.
شناخته سوم شخص مفرد در فارسی معیار/â/ و در گویش ادکان در ماضی ساده، استمراری و بعد/â/ صفت مفعولی می‌باشد و در این گویش به صورت شناسه سوم شخص بازتحل شده است. در
ماضی نقی و النازی و هم‌چنین تمامی ساخت‌های مضارع گویش ادکان شناسه سوم شخص مفرد/â/ می‌باشد.

۳. اگر فعال زمان گذشته به شکل سبی باشد و با واژگونی‌های ضمیری در تری مفعول به کار
رود، پس‌وند/â/ قبل از ضمیر مفعولی ظاهر می‌شود. این امر، افزایش تقویت می‌کند.
شناخت سبی به‌کمک شکل گذشته در حالی غیرطبیعی نیز به‌کار می‌روید و به‌نظر می‌رسد برای تأکید
بر عامل انجام کار است.

۴. پیشون استمراری به‌سبب هماهنگی واکه تکرار استمرار با واکه شناخت به‌صورت‌های مختلف
ظرور می‌شود.

۵. صرف فعل در ماضی نقی مشابه صرف آن در ماضی ساده می‌باشد. تفاوت آنها در چاپ‌گاز
تکه است. در ماضی ساده تکه روی هجازی آغازین فعل و در ماضی نقی روی شناسه است. در
صورت فعل ماضی نقی مفعول‌ا/و واکه پایانی/و/و صفت مفعولی تلت یک شود بکه/و/پایانی صفت
مقولون و واکه آغاذین وند تصريحی در هم ادغام و تکیه بر یکند ماضی نقلی ظاهر می شود که منجر به کشک جبرانی می گردد.

۶. فعل کمکی بودن در صرف فعل های ماضی بعد به /d/ تبدیل می شود که بازمانده فعل کمکی بودن است.

۷. در مضاور اندازه به دلیل همان‌گر و واکه با استفاده فعل پیشوند ماضی-ساز /mi- به /be/ و در مضاور اندازه تکواز الترازی-ساز /mu- و /me- نیز به دلیل همان‌گر واکه با استفاده /be/ به کار می‌رود.

۸. در «دشت» به زمان ماضی ساز حذف شده و در افعال پیشوندی و مربک به هر دو صورت با حذف /be/ و بدون حذف /be/ دیده می‌شود. همچنین مشابه فارسی معیار تکواز /be/ در مضاور الترازی از فعل پرکاربرد (درن) حذف می‌گردد.

۹. برای ساخت صورت آینده دو روش وجود دارد: ۱) استفاده از مضاور اندازه، که اغلب از این روش استفاده می‌شود؛ و ۲) استفاده از فرمل: فعل کمکی «خواستن» + پیشوند + مناک ماضی + شناسه. در روش دوم فعل کمکی «خواستن» صرف نرم شود و به صورت ثابت /be/ به کار /mexæ/ می‌رود. فعل کمکی «خواستن» در جمله زمان آینده همیشه قابل مفعول قرار می‌گیرد.

۱۰. ساخت فعل امر مشابه فارسی معیار است. به جز موارد استثنایی جون فعل «یستادن» که در دوم شخص مفرد امر شناسه با پیشوند /-əɡ/ و می‌گردد، همچنین امر از مصدر «بستن» در این گروه با /-zæ/ ستاک گاشته ساخته می‌شود.

۱۱. برای ساخت صورت منفی فعل در زمان‌های ماضی ساده به دلیل همان‌گر واکه با استفاده /ne- و /no- استفاده می‌شود. در حالی که در فارسی معیار از /ve- و /ve/ استفاده می‌گردد.

۱۲. برای ساخت صورت منفی فعل در زمان‌های ماضی استمراری از /he/ و /he/ استفاده می‌گردد.

۱۳. در برخی موارد به دلیل همان‌گر واکه، از /-zæ/ و /-zæ/ استفاده می‌گردد.

۱۴. برای ساخت صورت منفی فعل در زمان‌های ماضی نقلی، بعد و الترازی به سبب همان‌گر واکه با استفاده /-zæ/ و /-zæ/ استفاده می‌گردد، بر خلاف فارسی معیار که از /-zæ/ استفاده می‌گردد.
مقایسه واچیه‌ری یافته افعال گویش... 

سال هفتم، شماره 75

14. در منفی کردن فعل در زمان مضارع اخباری، از /-ne/ (همانند فارسی معیار) و در برخی موارد /-no/ استفاده می‌گردد. به‌سبب همانندی واکنش با ستانفعل در منفی بیان می‌شود.

15. هنگام منفی ساختن فعل در مضارع النزامی /-be/، حذف شده و /-nae/ استفاده می‌گردد.

16. در آینده منفی، صورت منفی فعل /-mexae/ (به‌کمکی از ترکیب زمان آینده مضافی اخباری استفاده می‌شود) (همانند فارسی معیار) اگر فعل کمکی منفی در جایی پرای دوم شخص منفی شود، مفهوم «نه» را خواهد داشت و اگر برای سایر اشخاص منفی شود، دال بر عدم لزوم و ضرورت این فعل (خواستن) در صورت منفی، همان شناسه فعل بعدی‌اش را یگیرد، مفهوم «عدم تمایل به انجام کاری» را می‌رساند.

17. فعل امر برخلاف فارسی معیار به با تکواز /-ne/ منفی می‌شود، صرفاً با تکواز /-nae/ منفی می‌شود. می‌شود که با زمانده فارسی میانه است.

18. در فعالی می‌شود که در هر کاری ببخوا منفی است و /-bar/ (جانشین) -/var/ استفاده می‌گردد.

19. گرایش به اشتباه از فعل های مربوط به جای امر راه می‌اندازد فعال و فرمان است.

20. ستون جای فعل دو دیدنی، دوسره، است. این فعل در زمان‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی تقلیل، ماضی بعد و ماضی النزامی به صورت /-dext/ به کار می‌رود و با ستانک /-id/- استفاده می‌شود. اما در زمان آینده، مضارع اخباری، مضارع النزامی و امر، ستانک مضافی دوسره به کار می‌رود.

21. در حمایت تکواز /-id/- مضافی ساز فارسی معیار از تکواز /-id/- استفاده می‌شود که با زمانده به‌پهلوی /-id/- است. همچنین، در بعضی از فعل هایی که بر مضافات آنها مختص و با کار مربوط /-e/ یا -ow/ است، /-ist/- استفاده می‌شود.

22. واکه /-e/ در هنگام آگا‌زیان فعل، به واکه /e/ به‌کار می‌رود. همچنین هنگام افزوده اخباری و استمراری /-mi/- و /-mi/- به‌کار رفته ساز به فعل هایی که دارای واکه آگا‌زیان /i/ و /-i/- به‌کار می‌رود. واکه آگا‌زیان فعل به واکه /-mi/- و /-e/- ادامه شده و به /-e/- تبدیل می‌شود.
کتاب‌نامه

آقاملایی، ابراهیم. (1379) تاریخ مهاجرت‌های اسلامی. چپ ۱، شماره ۱، تهران.

آلمیری، مبارک. (1379) دیوان مهر. شماره ۳، تهران.

امری، مهربان. (1385) کتاب‌های مورد شهرت بین نظمی. چپ ۲، تهران.

انیا، علیا. (1379) دستور زبان فارسی. چپ ۳، تهران.

بدره، محمد. (1379) ازدواج و زنا. چپ ۴، تهران.

پارساسب، محمد. (1379) زبان و ادبیات. چپ ۵، تهران.
جاهانخوان، ابراهیم. (۱۳۸۷). "ساختار دستوری ناتی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ناتی-شناسی تاشکستن: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاشکستن.

جاهانگیری، نادر. (۱۳۸۸). "زبان بازار زبان، فرهنگ و ندیشه (مجموعه مقالات)"، چاپ اول. تهران: نشر آگاه.

حسینی زنجانی‌زاده، حامد. (۱۳۸۸). "بررسی ساختار فعل در کریش استهاردوی پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم طبیعی.

دانش‌نامه دانش‌گست. "نظر علی زاده، کامران فائی، محمدعلی سادات. جلد پنجم. چاپ اول (۱۳۸۹).

تهران: مؤسسه گستر روز.

رستارکوبی، وری. سرگزین. الله شامان. دستور زبان فارسی مبانی. چاپ دوم (۱۳۷۹). تهران: مؤسسه چاپ.

و انتشارات دانشگاه تهران.

رحمانی، دکتر. (۱۳۸۹). "آزاد کرهای حمایت زبان ناتی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ناتی-شناسی تاشکستن: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاشکستن.

رحمانی، ایرج. (۱۳۸۹). "بررسی ساختار فعل در کریش تاشکستن و منطقه بیروز زمربی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاشکستن".

رحمانی، حسین. (۱۳۸۹). "فرهنگ قومی و جغرافیای شهرها و آبادی‌های خراسان شمالي چاپ اول. بجورود، نشر بین‌بود.

سفرعلی‌پور، قهرمان. (۱۳۸۸). "بررسی تطبیقی ساختار فعل در کریش‌های تاشی خلخال، ناشی و کنکریتی. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه گیلان.


سفرزاده، حیب. "پژوهش در کریش شمال خراسان و کاربرد آن در تصمیم‌گیری و شرح منتون ادب فارسی"، مجله دانشگاه ادبیات و علوم انسانی مشهد. زمستان ۱۳۸۷ شماره ۸۲، صص. ۸۲-۷۴.

طاهری، عباس. (۱۳۸۸). "دستور زبان تاسیکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم طبیعی.


فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور ـ استان خراسان شمالی ـ شهرستان اسفراین، چاپ اول (۱۳۸۴). تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
فستری، غلامرضا، شهداء، احمد (1381). مشاهیرجان اسپراین چاب اول، مشهد: بنیاد زرتشت‌های اسلامی

مشتری، اسدالله (1388). جغرافیای روسای اذکار از توابع شهرستان اسپراین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

دانشگاه تهران.

موتری حقیقی، یوسف (1387). خراسان شمالی، روشنی بر ورود تاریخ تحولات سیاسی شهرهای خراسان شمالي از آغاز انقلاب اسلامی چاب اول. مشهد: اهگی قلم.

مدینی، داود (1374). توصیف کروه فعالی کویش راجی (گویش فارسی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

مراکی، ابولفضل. شریف، شهلا. ساخت انفعال کویش مربیانی: بی‌لی از پهلوی به فارسی معاصره. مجله زبان‌شناسی و کویش‌های خراسان. تیر چاپ.

نائل خانلری، پرویز (1364). دستور زبان فارسی چاب پنج، تهران: انتشارات توس.

نوورزاده، شیوا سادات (1389). بررسی کویش نایین روی اثر در شهرستان اسپراین و کاربرد آن در تصحیح و شرح متن ادبی فارسی، اسامی، عضمت، جایزی، مصطلح؛ مجموعه مقالات هنابیش.

ویدالنیا کامیار، تفتی (1390). دستوریزان فارسی، چاب، میهن‌های انتشارات سمت.

پیروزی زاده، سید اکبر (1382). بررسی زبان‌شناسی کویش نایین شاهد، تهران: دانشگاه کارشناسی ارشد.